

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## ب. سوره مبارکه اخلاص/توحید

### متن کامل سوره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	«به نام الله، که رحمان و رحیم است؛
قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ	بگو: «او، الله، خدای یکتاست؛
اللَّهُ الصَّمَدُ	الله، که همگان به درگاهش نیاز برند،
لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ	نزاید و زاده نشود
وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ	و احدی نیست که همتای او باشد.»

### عنوان: سورة الإِخْلَاصِ: (Chapter, The Purification of Faith) Surah Al-Ikhlāṣ

- به حرف نگاری/transliteration در انگلیسی و تفاوت حرف نگاری «ه» و «ح»، «س» و «ص» و نیز «ا» کوتاه و «ا» کشیده توجه کنید.
- سوال: روش ها و فرایندهای ترجمه که در عنوان استفاده شده است کدامند؟ دلیل استفاده؟ پاسخ:
  - ترجمه به صورت حرف نگاری؛
  - دلیل: نام سوره - که proper noun است - در فرهنگ مقصد دقیق منعکس شود؛
  - translation proper یا همان ترجمه عرفی و معادل یابی در مقصد (the Purification of Faith)؛
  - به دلیل برقراری ارتباط مخاطب با متن اصلی انجام می شود؛
  - استفاده از روش بسط/expansion: استفاده از سه کلمه به جای تک کلمه ی اخلاص؛
  - به دلیل خلاء واژگانی/lexical gap؛
- سوال: چرا پنجره باز است؟ چرا کتری رو گاز است؟ پاسخ: نا امید نشو! ادامه بده! عاقبت جوینده یابنده است! ☺

### آیه اول

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: به نام الله، که رحمان و رحیم است؛

### تحلیل متن مبدأ/ST Analysis

- در سوره مبارکه حمد، تحلیل انجام شد.

### نقد و بررسی ترجمه/TT Critical Analysis

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: به نام الله، که رحمان و رحیم است؛

In the Name of Allah, the Most Beneficent, the Most Merciful.

“In the Name of Allah, the ~~Most-All-Merciful~~Beneficent, the ~~Most-Ever~~-Merciful;”

“In the Name of Allah, the All-Merciful, the Ever-Merciful;”

- در سوره مبارکه حمد، نقد و بررسی شد.

## آیه دوم

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ: بگو: «او، الله، خدای یکتاست؛

### تحلیل متن مبدأ/ST Analysis

- متن سوره، بعد فعل «قل»، یک نقش واحد دارد، زیرا:
  - فعل قل متعدی است و نیاز به مفعول مستقیم دارد. از «هو الله احد.....» تا آخر سوره مفعول قل (بگو) محسوب می شود.
  - فعل قل، اینجا فعل نقل قول مستقیم است؛ نتیجتاً، کل سوره بعد آن نقل قول مستقیم است و باید جدای از این که همه ی سوره ها در دو گیومه قرار می گرفت، متن این سوره، بعد قل، در دو گیومه جداگانه قرار گیرد.
  - «هو» نهاد و «أحد» گزاره است؛ «الله» بدل «هو» است و در واقع معرفی نام خدای یگانه است. بنابراین، الله جزء نهاد/subject نیست.
  - «أحد» با «واحد» فرق دارد:
  - اولی توحید درونی و ذات و صفات را نشان می دهد: خدای متعال ذات و صفاتش همه یک حقیقت است و دارای ابعاد و لایه ها و اجزا نیست. احد یعنی خدای متعال بسیط و غیر مرکب است.
  - دومی توحید بیرونی است، یعنی خدای متعال در عالم وجود هیچ معبودی جز او نیست.

### نقد و بررسی ترجمه/TT Critical Analysis

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ: بگو: «او، الله، خدای یکتاست؛

Say (O Muhammad (Peace be upon him)): 'He Allah is Allah, (the) One.

Say, (O Muhammad (Peace be upon him)): 'He, Allah, is Allah God, (the) One Entire;

Say, 'He, Allah, is God, the Entire;

- مسائل مربوط به علائم نگارشی و نقل قول مستقیم در ترجمه این آیه:
  - استفاده از دونقطه (: بعد فعل قل، اگر مترجم ایرانی یا عرب باشد، احتمالاً به دلیل گرته برداری از سامانه ی نگارشی زبان مادری مترجم است. در انگلیسی بعد فعل نقل قول مستقیم از ویرگول استفاده می کنیم.
  - منقول باید داخل دو گیومه جداگانه قرار بگیرد (علاوه بر دو گیومه که برای همه ی سوره ها قبل بسم الله الرحمن الرحیم و انتهای سوره می گذاریم).
  - گیومه های اصلی سوره جفتی است ("") و گیومه های فرعی (برای مفعول فعل قل) تکی (') است.
- برای دانستن دلیل حذف (O Muhammad (Peace be upon him)) در ترجمه ی ما، در قسمت تعریف برخی اصطلاحات در انتهای بحث این سوره مراجعه کنید.
- گفته بودیم «الله» باید "Allah" ترجمه شود. اما نگفته بودیم، احد و إله هم باید به "Allah" ترجمه شود! مترجم احد را اشتباه ترجمه کرده است، که بخشی از آن اصلاح شد به God.
- Allah بدل است برای He؛ پس باید بعد از He بیاید و بین دو ویرگول قرار بگیرد.
- the One در واقع معادل «واحد» است، نه «أحد». توضیحات مبسوط در قسمت فوق (تحلیل متن مبدأ) ارائه شد.

### سوره مبارکه توحید/اخلاص، صفحه ی ۳ از ۷

- نقطه در انتهای آیه باعث تضعیف رابطه قوی بین آیه حاضر و آیه بعدی می شود. دلیل ارتباط قوی این دو آیه این است که «الله الصمد» در واقع تفسیر و روی دیگر همان «هو الله أحد» است. وقتی او یکتاست و دارای اجزاء و ابعاد نیست، پس کامل و بی نیاز هم هست. نقطه بند به بهترین وجه این ارتباط را حفظ می کند. به توضیحات بحث نقطه بند در قسمت تعریف برخی اصطلاحات ذیل سوره مبارکه حمد مراجعه کنید.

## آیه سوم

اللَّهُ الصَّمَدُ: الله، که همگان به درگاهش نیاز برند،

### تحلیل متن مبدأ/ST Analysis

- الله الصمد نهاد/subject/مبتدا است و گزاره/خبر/predicate □ آن، دو آیه ی بعدی است.
- الصمد:
  - برای الله صفت غیرمحدودگر/non-defining adjective است. بنابراین در ترجمه باید مورد توجه قرار گیرد و علامت نگارشی آن درست انتخاب شود.
  - به معنای توپر، کامل، بدون خلأ و شکاف و نقص و نهایتاً وجود کامل بی نیاز است. نتیجه این می شود که او وجودی است که همه ی موجودات نیازشان را به درگاه او عرضه می کنند.
  - روی دیگر همان أحد است؛ بنابراین، این آیه به همراه دو آیه ی بعدش می تواند توصیف و توضیح آیه ی اول باشد. استفاده از علامت نگارشی نقطه بند (;) در ترجمه انگلیسی به همین دلیل است.

### نقد و بررسی ترجمه/TT Critical Analysis

اللَّهُ الصَّمَدُ: الله، که همگان به درگاهش نیاز برند،

Allah is the Needless.

Allah is the Needless Eternally Besought of All.

Allah, the Eternally Besought of All,

- is را مترجم بر این مبنا استفاده کرده است که تصور می کند الله الصمد یک مطلب کامل (حاوی نهاد و گزاره) است، حال آن که در کلاس بحث کردیم که الله الصمد مطلب کامل نیست بلکه نهاد/subject است و گزاره ی آن دو آیه ی بعدی است. در ترجمه نهاد از فعل اصلی استفاده نمی کنیم.
- needless ترجمه تحت اللفظی «بی نیاز» از فارسی است یا - اگر مترجم فارسی زبان نبوده است - بر اساس قاعده ی کلماتی که با less منفی می شوند، تعمیم ناروا/overgeneralization داده است و به صورت تحت اللفظی در ذهنش ترجمه کرده است و معادل را بدون تحقیق و بررسی و مراجعه به منابع معتبر انگلیسی زبان نظیر فرهنگ لغت های انگلیسی-انگلیسی استفاده کرده است. مگر دستم به این مترجم نرسد! خوب، بگذریم! needless یعنی چه؟ به یادداشت هایتان یا فرهنگ لغت مراجعه کنید. من که فرهنگ لغت نیستم! ☺
- چون این آیه فقط نهاد است، پس نقطه اشتباه است. پس چه درست است؟ پاسخ:
- الصمد صفت غیرمحدودگر است. (تعریف صفت محدودگر و غیرمحدودگر در بحث سوره مبارکه حمد آمد.) پس باید قبل و بعدش از ویرگول استفاده کنیم. دقت کنید که بین نهاد و گزاره هیچ علامت نگارشی فاصله نمی اندازد اما این ویرگول به خاطر جدا کردن صفت non-defining از جمله استفاده می شود.
- برای ترجمه معانی صمد (توپر، کامل، بی نیاز، که همه به او نیاز عرضه کنند....) مترجم در محدودیت است. پس باید معنایی را انتخاب کرد که کمترین ضرر/خسران حاصل شود. the Eternally Besought of All حاصل خسران کمینه/minimal loss است. به توضیحات قسمت تعریف برخی اصطلاحات در انتهای بحث این سوره مراجعه کنید.



### سوره مبارکه توحید/اخلاص، صفحه ی ۵ از ۷

- اما در ترجمه ی ما با ساختار جدیدِ Neither...nor...nor... سه واحد به هم مرتبط می شوند، که قبل حرف ربط دوم و سوم از ویرگول استفاده می کنیم.
- اگر گفتید چرا به جای not از Neither استفاده کردیم؟ پاسخ: برای این که! قانع نشدید؟! پاسخ قانع کننده: به چهار دلیل زیر:
  - منفی که اول آیه آمده است و تأکید بر نفی زایش و تولد است را همان اول آیه نگاه داریم (که مترجم نگاه نداشته است).
  - استفاده از neither...nor باعث می شود ترجمه:
    - زیباتر شود؛
    - موجز تر شود؛
    - پیوستگی بین لم یلد، لم یولد و لم یکن له کفوا احد روشن تر شود.
- استفاده از نقطه بند اشتباه است زیرا آیه بعد با coordinating conjunction/fanboys شروع می شود و بهتر است آخر این آیه از ویرگول استفاده کنیم.<sup>۵</sup>

### آیه پنجم

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ: و احدی نیست که همتای او باشد.

### تحلیل متن مبدأ/ST Analysis

- این آیه کریمه هم تقریباً با منفی شروع می شود: «و لم».
- فرموده است «لیس»: نیست، (کسی همتای او نیست) بلکه فرموده است «لم یکن» یعنی وجود ندارد (کسی وجود ندارد که بعد بخواهد همتای او هم باشد). به عبارتی، وجود مخلوقات وجودی وابسته به اراده ی الهی است و در وهله ی اول وجودی مستقل ندارند که بعد بخواهند در برابرش عرض اندام کنند و شبیه یا همتای او هم بشوند. برادری ثابت نشده که بخواهند ادعای ارث و میراث کنند. این نکته را مترجم رعایت نکرده است (توضیح در قسمت بعد).
- توضیح کلمه ی احد:
  - ابتدای سوره، صفت خداست و نشانه اش این است که به صورت وصفی مثبت آمده است و معنای آن یکتا است.
  - در انتهای سوره اسم است و با فعل منفی آمده است و نتیجتاً به مخلوق اشاره می کند. مثلاً می گوئیم: احدی در آزمون بررسی آثار ترجمه شده اسلامی تقلب نخواهد کرد، إن شاء الله؛ وگرنه با پراید در سطح شهر او را می گردانیم! ☺

### نقد و بررسی ترجمه/TT Critical Analysis

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ: و احدی نیست که همتای او باشد.

And no one is comparable unto Him

Nor And no one is there anyone comparable-like unto Him.""

Nor is there anyone like unto Him."

- دوباره تأکید می شود: حالا که می شود با استفاده از Nor، بُعد منفی متن مبدأ را ابتدای ترجمه آورد، آوردن آن به عنوان کلمه ی دوم (به صورت And no....) از تأکید آن در ترجمه و نهایتاً force of language می کاهد.
- با توجه به توضیحات در بخش تحلیل متن مبدأ، is there جایگزینِ is شد تا توحید نظری که بالاتر توضیح دادیم به روشنی منعکس شود.
- سوال: چرا با این که شکل این آیه خبری است، به صورت سوالی آمده است؟ پاسخ:
  - اولاً که ظاهر سوالی است ولی نوع جمله خبری است؛
  - ثانیاً، دلیل معکوس بودن/reversing اینجا آمدن شکل منفی ابتدای جمله است – دلیل معکوس شدن: استفاده از Nor در ابتدای جملان/clause.
  - ثالثاً، ربطی به کتری و پنجره و .... ندارد. از فکرش بیرون بیایید. ☺

<sup>۵</sup> وقتی می گوئیم، بهتر است، منظورمان این است که از نگذاشتن ویرگول بهتر است، نه این که گزینه ی دیگر گذاشتن نقطه یا نقطه بند باشد.

- like unto معادل همان like در Modern English است، با این تفاوت که سبکش متناسب با متن مقدس است.
- هرگز نشه فراموش: چراغ نگارش نشه خاموش: در انتهای این سوره هم باید علامت نگارشی گیومه مربوط به نقل قول مستقیم بعد قل را ببندیم و هم مربوط به انتهای سوره که همیشه انجام می دهیم. پس سه گیومه در انتها داریم. می گوئید، نه، بشمارید! (به توضیحات در بحث ترجمه سوره مبارکه فاتحه مراجعه کنید).

## تعریف برخی اصطلاحات

- سوال راجع به قاعده جری:
  - قاعده ی جری در قرآن مجید چیست؟
  - پاسخ: طبق فرمایش امام صادق و امام رضا (علیهما السلام)، قرآن قاعده ی «جری» (جریان دائمی چشمه زلال وحی و نو به نو شدن هر لحظه) دارد.
  - ارتباط قاعده جری با ترجمه چیست؟ پاسخ:
  - اگر مترجم از آشکارسازی استفاده کند، در حقیقت ظرفیت پویایی مفاهیم و مصادیق قرآن مجید را کاهش داده است و قاعده «جری» نادیده گرفته می شود، چرا که طبق قاعده جری، قرآن مجید محصور در شأن نزول (context of situation) یا برخی تفاسیر روایی نیست و در هر زمان و مکانی و برای هر مخاطبی ظرفیت بالقوه دارد که مفاهیم و مصادیق جدید را تحت پوشش قرار دهد.<sup>۶</sup>
  - یک مثال راجع به این قاعده بزنید. پاسخ:
  - مثلا در ترجمه «قل هو الله احد»، در ترجمه ای که بالا نقد شد، این عبارت اضافه شده است: (O Muhammad (Peace be upon him)). درست است که طبق شأن نزول، سوره مبارکه اخلاص در پاسخ به اهل کتاب نازل شده است اما مگر هر کسی نمی تواند مخاطب این سوره باشد و با هر بار خواندن این سوره، خطاب وحی را به گوش جاننش بشنود که، بگو: «او، الله، خدای یکتاست...؟!». درست است که مصداق خاص این سوره در خطاب حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است، اما هر غواصی که مشتاق شنا در اقیانوس وحی باشد، می تواند مخاطب قرآن مجید باشد و به اندازه اشتیاقش از مرواریدهای این اقیانوس بی کران بردارد. البته این به معنای این نیست که ما تفسیر به رأی کنیم. قبل نشر هر مطلبی که به ذهن ما پس از تدبر رسید، باید به تفاسیر و قرآن شناسان ارائه کرد و از صحت آن مطمئن شد.<sup>۷</sup>
- قاعده خسران کمینه (minimal loss) چیست؟ پاسخ:
- هدف عملیاتی ترجمه، انتقال کامل همه ابعاد، ویژگی ها و معانی متن مبدأ به مقصد نیست، زیرا اصلا ممکن نیست. بنابراین، مترجم خوب همیشه دنبال انتخاب گزینه ای است که minimal loss داشته باشد و همیشه باید ببیند چه را نگاه دارد و چه را از دست بدهد. به این قاعده minimal loss یا خسران کمینه می گویند.
- راجع به قاعده بالا مثال بزنید. پاسخ:
- در ترجمه سوره حاضر، برای معادل گذاری صمد، از میان سه گزینه ی (۱) «تویر» (۲) «بی نیاز» (۳) که «همگان نیازشان به درگاهش عرضه می کنند»، مجبوریم یکی را انتخاب کنیم. اولی باعث از دست رفتن ارتباط مخاطب عام با ترجمه می شود. دومی، گزینه سوم را شامل نمی شود، اما سومی، دومی را دربر دارد و اولی را شامل نمی شود. بنابراین، انتخاب گزینه سوم، عمل به قاعده minimal loss است، زیرا با این که معنای اول را نمی رساند، موارد مهم را منعکس می کند.
- «این tense و time چیه که استاد همش اسم شون را میاره؟! کلافه شدیم!» پاسخ: دعوا نداریم که! بخوانید و ما را دعا کنید:
  - زمان واقعی/time همان است که مربوط به عالم واقعیت/حقیقت است؛ مربوط به معنای کلام می شود: این که گوینده/نویسنده چه زمانی را در نظر دارد و راجع به کی دارد صحبت می کند: گذشته؟ حال؟ آینده؟ ترکیبی از این ها؟
  - اما زمان فعل/tense جمله: مشخصات فعل آن؛ این که فعل جمله، زمان حال ساده است یا گذشته ساده یا ماضی نقلی یا .....

<sup>۶</sup> (برای مطالعه) البته این به این معنی نیست که ما بدون تخصص و آشنایی به فنون و قبل اجتهاد و قرآن-و-حدیث شناسی، می توانیم هر چه به ذهن مان رسید را به قرآن مجید نسبت دهیم! (تفسیر به رأی حرام است). غور در آیات برای تدبیر خوب است، اما برای انتشار و ثبت آنچه راجع به قرآن مجید به ذهن می رسد، باید به اهلش مراجعه کرد و از آنها تأیید گرفت.

<sup>۷</sup> توضیحات در پاورقی شماره ۶.

البته، بین این دو ارتباط هست: زمان فعل/ tense آن معمولاً زمان جمله را نشان می دهد یا با آن ارتباط مستقیم دارد اما برخی اوقات نیز نیاز به دانستن بافت موقعیت و بافت متنی و قواعد دستوری داریم تا دقیقاً متوجه شویم که فلان tense به چه time ی اشاره می کند. مثلاً، تا شأن نزول سوره مبارکه کوثر را ندانیم، نمی توانیم تشخیص دهیم که أعطیناکَ به زمان آینده اشاره می کند، نه آینده، اما اگر به شأن نزول/context of situation مراجعه نکنیم، گمان می کنیم که این آیه همان طور که tense گذشته است، time هم گذشته است، حال آن که شأن نزول این را رد می کند.

**انتهای بحث تحلیل متن مبدأ/ST Analysis و نقد و بررسی ترجمه/TT Critical Analysis □ سوره مبارکه اخلاص  
والحمد لله رب العالمین.....**